

تعریف فصاحت

در لغت

بیان و ظهور (روشنی و آشکاری)

وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا (أَفْصَحُ : شیواتر)

در اصطلاح

الفاظ روشن آشکار و نزدیک به فهم که کاربرد آن میان نویسندگان و شاعران به علت جایگاه نیک آن، رایج است.

شروط فصاحت کلمه

خالی بودن از تنافر حروف

به دلیل سبک و خفیف بودن بر زبان و گوش

مانند لفظ (أسد) نسبت به (فَدُوْكَس)

ناهماهنگی حروفه سبب ثقل بر شنوایی و سختی اداء آن بر زبان می شود، به علت قریب المخرج بودن حروف کلمه.

خالی بودن از غرابت در استعمال و عادی بودن کاربرد آن

بخشی از آن در الفاظ مشترک است که گاه با قرینه‌ها گاه بدون قرینه است.

شناسایی آن با کثرت اطلاع بر علم کلام

خالی بودن از مخالفت با قواعد صرفی

واژه (الأَجَلُّ) که باید به شکل ادغام شده (اجل) بیاید.

استثناء: المشرق و المغرب و ...

شناسایی آن با علم صرف

خالی بودن از کراهت در شنیدن

واژه (جِرْشِي) به معنی نفس

فصاحت کلام

چگونگی آن

پس از فصاحت مفردات و کلمه های آن، سالم بودن معنای آن از مواردی که سبب ابهام در آن می شود.

شروط آن

خالی بودن از

تنافر کلمات در آن

و لیس قُربِ قَبْرِ حَرَبِ قَبْرِ

شناسایی آن با ذوق سلیم

ضعف تالیف و ترکیب در آن (دلیل: بر خلاف قوانین مشهور نحوی است.)

مانند وصل دو ضمیر: فاعضهاک

شناسایی آن با علم نحو

تعقید و پیچیدگی لفظی

سبب می شود کلام بر معنی مورد نظر دلالت پنهان داشته باشد.

مانند پیش و پس آوردن کلمات

شناسایی آن با علم بیان

تعقید معنوی

سبب ناآشکار بودن دلالت ترکیب، بر معنی مقصود می شود.

مانند خشکی چشم به معنی شادمانی

کثرت تکرار

در صورتی که بی فایده تکرار شود.

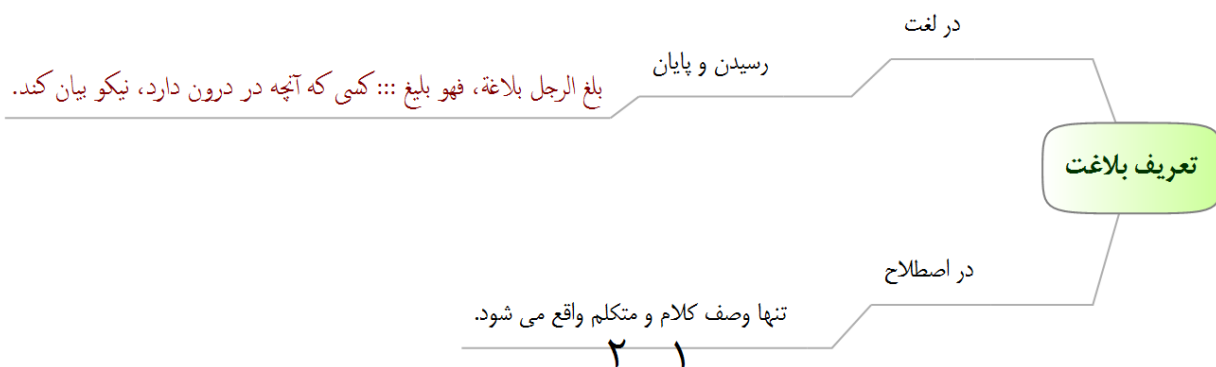
تابع و پشت سر هم آمدن اضافات

اسم به اسم دیگر اضافه شود.

فصاحت متکلم

ملکه ای که صاحب آن می تواند به وسیله آن، مقصود خود را با کلامی فصیح، ادا کند.





(۱) بلاغت کلام

مطابقت سخن با چیزی است که حالت سخنوری اقتضای آن را دارد همراه با فصاحت و شیوایی الفاظ مفرد و مرکب آن سخن.

کلام بلیغ

سخنی که متکلم، آن را به گونه ای ترسیم می کند تا با حالت های مخاطبان سازگار باشد.

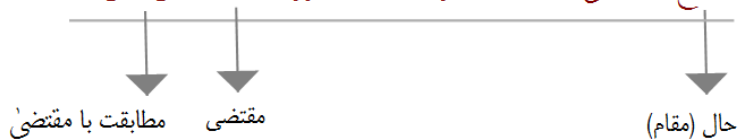
حالت خطاب (مقام خطاب)

امری که متکلم را وامی دارد که بیان خویش را به صورت مخصوصی آورد، نه به گونه ی دیگر.

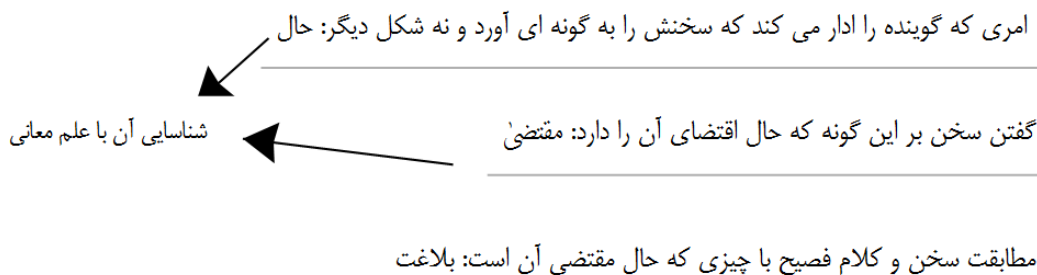
مقتضی (اعتبار مناسب)

صورت مخصوصی که عبارت بر اساس آن ایراد می گردد.

مدح :::: حالتی است که عبارت باید به صورت اطناب ایراد گردد.



خلاصه گفتار



۲) بلاغت متکلم

ملکه ای در وجود است که صاحب آن ملکه بر گردآوری سخن بلیغ توانایی دارد مطابق با مقتضای حال همراه با شیوایی کلام در هر معنی که آن را در نظر گرفته است.